

نقش جوانان و مشکلات آنان در جامعه

﴿ محمد قاسم قاسمی ﴾

بودند که با نیروی اراده و ابتکار و استعانت از الله فتوحات اسلامی را گسترش دادند «عقبه بن نافع» که جوانی نیرومند و دارای عزم آهنین بود وقتی به کنار اقیانوس اطلس رسید، اسبش را به دریا زد و چنین گفت:

«اللهم رب محمد لولا هذا البحر لفتحتم الدنيا في سبيل اعلاء كلمتك اللهم فاشهد»

پروردگارا اگر این دریا در میان راه مانع من نبود، حتماً برای سربلندی کلمات تمام جهان را فتح می‌کردم. الهی تو خود گواه باش.

قتیبه باهلی

قتیبه باهلی جوانی سرشار از اراده و ابتکار بود وقتی به سرزمین چین پا گذاشت یکی از همراهانش گفت «ای قتیبه! در سرزمین ترکان پا گذاشته‌اید، آیا می‌دانید که حوادث و خطرهای بزرگی در کمین است؟» قتیبه در حالی که سرشار از نیروی ایمان و یقین بود پاسخ داد: «با توکل بر خدا به این سرزمین آمده‌ام، اگر اجل فرا رسیده باشد، از ابزار و لشکر چیزی ساخته نیست.»

سلطان محمد فاتح

سلطان محمد، فاتح قسطنطنیه جوانی ۲۴ ساله از آل عثمان بود، قسطنطنیه یا استانبول کنونی شهری است استراتژیکی که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای فاتح آن مژدهایی داده بود. از زمان حضرت معاویه رضی الله عنه گرفته تا قرن هشتم بسیاری از سران کوشیدند که پیشگویی رسول الله توسط آنان تحقق یابد و مژده‌های آن حضرت را به خود اختصاص دهند، اما هیچ کدام نتوانستند شهر را فتح کنند تا اینکه محمد جوان با یک ابتکار بی سابقه یعنی عبور دادن کشتی‌ها از خشکی، توانست قسطنطنیه را که پایتخت دولت «بیزانس» بود جزو قلمرو اسلام در آورد.

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين

اسلام آخرین دین الهی و کاملترین برنامه زندگی برای کلیه اقشار بشریت می‌باشد. خداوند متعال برای دعوت به این دین، حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را برگزید و او را بر سایر پیامبران فضیلت و برتری بخشید. وقتی آنحضرت صلی الله علیه و سلم به رسالت و پیامبری مبعوث گردید نخستین گامی که برداشت این بود که برای ابلاغ پیامهای الهی افرادی را در نظر گرفت تا بوسیله آنها دعوت اسلام را به بندگان الهی برساند اغلب این افراد نوجوان یا جوان بودند.

نخستین هسته‌های هدایت

خود آن حضرت صلی الله علیه و سلم در سن چهل سالگی به نبوت مبعوث گردید و این سن اوج و کمال نیروهای جوانی است. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ۲۷ ساله بود، حضرت عمر رضی الله عنه ۲۷ ساله بود و حضرت عثمان رضی الله عنه هنوز به سن چهل سالگی نرسیده بود، حضرت علی کرم الله وجهه که از همه آنها کم سن تر بود، عبدالله بن مسعود و عبدالرحمن بن عوف و ارقم بن الارقم و سعید بن زید و مصعب بن عمیر و عمار بن یاسر و دهها تن از جوانان مکه نخستین کسانی بودند که دعوت رسول الله را پذیرفتند. در نخستین مقر و مرکز دعوت اسلامی یعنی دارالارقم گرد رسول اکرم جمع شدند و در راه پیشبرد دعوت الی الله مشکلات و ناملایمات را به جان خریدند تا اینکه اسلام ریشه زد و تبدیل به درختی تنومند گردید که شاخه‌های آن در اکناف و اطراف جهان منتشر شد.

فاتحان بزرگ اسلام جوانان بودند

تاریخ گواهی می‌دهد که اغلب فاتحان نیرومند جوانانی

لقد قلنا اذا شططاً.»

«آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند؛ ما به هدایتشان افزودیم و دلهایشان را مستحکم کردیم آن هنگام که به پا خاستند و اعلام کردند: همانا پروردگار ما پروردگار زمین و آسمانها است، به جز او معبودی را نمی‌خوانیم؛ اگر چنین کنیم سخنی گزاف گفته‌ایم.»

تاریخ نشان می‌دهد که هر زمان قشر جوان با هر تعدادی که بوده‌اند متحد و متفق شده و تصمیم نیکویی گرفته‌اند حتماً باعث تحولی شگرف در جامعه شده و از خود یادگاری به جا گذاشته‌اند

جوانانی در کام دشمنان

امروز بسیاری از حرکت‌های بی‌دینی و گروه‌های انحرافی صرفاً به این دلیل بر خود می‌بالند که به نوعی توانسته‌اند با گرفتار ساختن چند نفر از جوانان در دام فریبشان، از آنها به نفع نظریات‌شان کار بگیرند و از بی‌خبری‌شان سوء استفاده نمایند.

حربه دشمنان در نبرد با جوانان

دشمنان در سنگرهای فکری و فرهنگی چنان تلاش می‌کنند که لحظه‌ای آسایش ندارند. آنها پی برده‌اند که از طریق جنگ با اسلحه و از بین بردن فیزیکی فرزندان مسلمان نه تنها نمی‌توانند همه آنها را از بین ببرند، بلکه خشم و نفرتشان را علیه خود بر می‌انگیزند طوری که نسل‌های آینده طعم تلخ جنایات‌شان را همیشه به یاد خواهند داشت.

ابزارهای جدید

اینجاست که آنها بجای جنگ گرم، جبهه جنگ سرد را اختیار کرده و از اهرمهای فریبنده زیر استفاده می‌کنند.

۱- ترویج اعتیاد و پخش مواد مخدر، تریاک، هروئین، حشیش، تنباکو و غیره.

۲- ترویج غناء و موسیقی و ساز و آواز و رقص و ترانه‌های مبتذل و تحریک آمیز.

۳- اشاعه فحشاء و بی‌حجابی و پخش کتابهای ضد اخلاق و فیلم‌های سکسی، و تشویق به مد پرستی و مدرنیسم.

۴- بدبین ساختن نوجوانان به علماء و مساجد و مراکز و بزرگ جلوه دادن نکات ضعف بزرگان اسلام و علماء دین و امت. دشمنان می‌دانند که با اجرای سیاستهای فوق در میان نسل جوان،

محمد بن قاسم ۱۷ ساله فاتح سند و هند

تعدادی از مسلمانان در «سند» مورد اهانت کفار واقع شدند و از مرکز خلافت اسلامی تقاضای کمک کردند.

فرمانروای آن روز، محمد بن قاسم ثقفی را که جوانی هفده ساله از قبیله بنی‌ثقیف بود، از مرکز اسلام به سند اعزام نمود. محمد بن قاسم پس از فتح سند وارد هند گردید و همه سرزمین‌ها را تسخیر کرد. و بنا بر عدالت و اخلاقش محبوبیتی بی‌سابقه در آن دیار کسب کرد.

تاکید رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به صیانت دوران جوانی و قدر دانی از آن

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: پنج چیز را قبل از پنج غنیمت بدانید. زندگی را قبل از مرگ، جوانی را قبل از پیری، توانگری را قبل از ناداری، سلامتی را قبل از بیماری، فراغت و فرصت را قبل از گرفتاری،

آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: هفت نفر در روز قیامت در سایه عرش الهی در حالی که هیچ سایه دیگری نخواهد بود جای می‌گیرند. نخستین آنها پادشاه و زمامدار عادل است که قانون الله را بر زمین به اجرا می‌گذارد

نفر دوم جوانی است که دوران با شکوه جوانی را در عبادت و بندگی پروردگارش سپری نموده است.

در اثری دیگر آمده است: اگر پیرمردان عبادت‌گذار و جوانان فروتن و پرهیزگار و حیوانات علف خوار موجود نمی‌بودند، خداوند متعال حتماً بر اثر گناهان عموم مردم، آنها را به عذابهای سختی گرفتار می‌کرد.

اصحاب کهف الگوی صبر و استقامت

اصحاب کهف چند نفر جوان بودند که علیه اوضاع زمان‌شان قیام کرده به مبارزه برخاستند. حکام ستمگر و طاغوت آن زمان این جوانان را به مرگ تهدید کرده و از آنها خواستند تا تسلیم شوند و با باطل هم صدا گردند، اما جوانان مؤمن و متعهد زیر بار نرفتند و تحت تأثیر قرار نگرفتند. خداوند متعال بقدری از آنها اعلام رضایت نمود که ذکرشان را در قرآن جاویدان گذاشت و آنان را الگوی آیندگان معرفی کرد چنانکه می‌فرماید:

«اتهم فتیه آمنوا برهم و زدناهم هدی و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض لن ندعوا من دونه الها

آنها به عناصری سست و بی حال و غیر متعهد، بی هدف و بی تفاوت تبدیل خواهند شد و به جای اینکه رهسپار آموزشگاهها و دانشگاهها و مراکز علم و عبادت شوند، برعکس زینت بخش اماکن فساد شده و آواره و بی بند و بار خواهند شد.

توصیه دشمنان دین به مزدوران خویش

یکی از رهبران فرامان‌سوزی چنین می‌گوید: بر ما لازم است برای پیروزی خود از زنان کار بگیریم هرگاه در میان آنها فحشاء رواج داده شد، بدانید که لشکر دین نابود خواهد شد.

یکی از استعمارگران می‌گوید: ویرانگری یک لیوان مشروب و یک زن خواننده کمتر از هزار توپ و تانک نیست، پس امت محمد را بدین وسیله نابود کنید و در منجلاب مادیگرایی و شهوت رانی غرق نمایید.

علامه قرضاوی می‌گوید: یکبار نخست وزیر اسرائیل در جلسه روزنامه نگاران مطلبی ارائه کرد یکی از حضار گفت: اینگونه علنی صحبت نکنید مبادا عرب‌ها این مطلب را در جانی بخوانند و تصمیمی بگیرند. نخست وزیر گفت: مطمئن باشید آنان آنچنان با کارهای دیگر مشغولند که برای خواندن طرح‌های ما فرصت ندارند.

«علامه ناصح علوان» مفاد قرار داد ۱۳ یهود را چنین نقل کرده است: ما باید توده‌ها را از عمل و ابتکار باز داریم و البته این بوسیله مشغول ساختن آنها به لهو و لعب و بازی و ترویج مسابقات ورزشی و غیره ممکن می‌باشد.^(۱)

مشکلات جوانان در جامعه کنونی

قبل از اینکه به نوشتن این سطور بپردازم، با یکی از جوانان مصاحبه کردم که به عقیده جوانان مشکلات آنان چیست؟ جوان عزیز در پاسخ بنده اظهار داشت: مشکل بزرگ جوانان این است که نمی‌دانند مشکل اصلی شان چیست و راه حل آن چگونه است؟

براستی که ندانستن مشکلات، خود بزرگترین مشکل است مانند آنکه عدم تشخیص درست مرض، کار طبیب و مریض را مشکل می‌سازد و راه درست درمان را مسدود می‌نماید؛ اینک ما به پاره‌ای از مشکلات که معمولاً باعث نگرانی جوانان است اشاره می‌کنیم.

۱- عدم آگاهی کافی نسبت به حقایق اسلامی و مفاهیم دینی.

۲- وجود اضطراب فکری به دلیل مطالعات پراکنده و غیر منظم و مضر و تماس و ارتباط با افراد مغرض، فرصت طلب و منحرف و تبلیغات سوء.

۳- نبودن الگو و نمونه‌های زنده، توضیح اینکه اغلب نویسندگان، سخنرانان و داعیان وقتی صحبت از جوانان به میان می‌آورند مثالها و نمونه‌هایی از گذشته ارائه می‌کنند که در این زمان کمتر به چشم می‌خورد. در این صورت است که جوان امروزی چنین می‌پندارد که چون آن زمان سپری شده از اینرو نمی‌تواند آنان را الگوی قابل تقلید خود محسوب کند جوان امروزی می‌خواهد و حق بجانب است که از میان جوانان معاصر که در شرایط کنونی پسر می‌برند برای خود الگویی بیابد.

۴- تضاد و تناقض ارزشهای قومی و خانوادگی با بعضی از ارزشهایی که از طریق تحصیل و مطالعه به آن متوجه شده‌اند. توضیح اینکه جوانان تحصیل کرده به جهت اینکه در میان خانواده و فامیل و قوم ارزشهایی را می‌بینند که با حاصل مطالعات آنها نه تنها سنخیت و مناسبت ندارد بلکه احياناً منافی و متناقض با آن می‌باشد. اینجاست که در یک کشمکش درونی درگیر شده و ناامید می‌گردند، نه جرأت دارند از ارزشهای گذشته دست بکشند و نه اینکه می‌توانند محصول مطالعات و معلومات جدید را نادیده بگیرند.

۵- مشکلات اقتصادی و شغلی بدون تردید مسئله اقتصاد یکی از معضلات مهم جوامع فعلی به شمار می‌آید که با توجه به بعضی از عاداتها و رسم‌ها از یک طرف و تبلیغات رسانه‌ها و نزدیک شدن فاصله‌های مکانی از طرف دیگر، توقعات بی شمار و بی جا و خواسته‌های متعددی در قشر جوان به وجود آورده است.

پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟

اینک در ذیل به ترتیب در باره راه حل مشکلات فوق اشاراتی خواهیم داشت.

۱- یکی از وظایف مهم علماء کرام و داعیان این است که جهت آگاه ساختن جوانان با تعالیم حیاتبخش اسلام بطور جدی و منظم برنامه ریزی نمایند البته این کار چندان ساده و آسان نیست، چنانچه هر برنامه‌ای فاقد جاذبیت و تاثیر باشد طولی نمی‌کشد که جوانان از آن خسته و ملول شده و کناره‌گیری خواهند نمود.

صاحب‌دل و مؤثر به پا خیزند و با ارائه برنامه‌های ارزشمند و با گسترانیدن دام محبت و احترام و پشتوانه اخلاص و للهیت، دلهای مضطرب و رمیده جوانان را فتح کرده و آنان را چنان با اهداف بلند و ارزشهای برتر مشغول نمایند تا اینکه جایی برای امور اضطراب‌انگیز و مضر باقی نماند برآستی که «خواستن توانستن است»، و همین است جهاد بزرگ.

ارائه الگوی زنده

امروزه سخن بسیار است و کتابها و نوشته‌ها بی‌شمارند، صدای برگزارای کنفرانس‌ها و جلسه‌ها از هر سو به گوش می‌رسد، اما باید این واقعیت را پذیرفت که مردم از شنیدن سخن خسته شده‌اند زیرا آنچه را که کمتر می‌یابند و یا اصلاً نمی‌یابند الگوی زنده و ایده‌آل است. می‌گویند فلان قانون خوب است فلان سخن بسیار زیبا و جالب است، اما آیا کسی هست که بر آن عمل کند؟ آیا کسی هست که به آن قانون پایبند باشد؟ اگر مدام از گذشته سخن به میان آوریم ولی در حال حاضر نتوانیم الگویی ارائه دهیم فوراً این سؤال پیش می‌آید که شرایط ما با آنها فرق می‌کند. اگر آنها مشابه شرایط ما می‌زیستند، آنگونه عمل نمی‌کردند، بنابر این تنها پاسخ به این قبیل مشکلات و شبهات ارائه الگوی زنده و نمونه عملی می‌باشد.

برای ساختن الگوهای زنده و عملی راههای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱- نخست باید تعدادی از جوانان سلیم الفطره را در نظر بگیریم و تدریجاً آنها را مطابق روشهای ذیل تربیت نماییم.
- ۲- تشویق و ترغیب به مطالعه کتابهای مفید و سودمند
- ۳- برگزاری جلسات منظم و دائم و سخن گفتن از صفات پروردگار و احسانات و نعمتهای او به منظور ایجاد یقین به امور غیبی و محبت با الله و مطالعات دستجمعی و گروهی
- ۴- مجالست با صالحین و مردان حق.

تأثیر مجالست با صالحان و مردان حق

در واقع مجالست و ارتباط با مردان حق پله و نردبان خوشبختی و سعادت می‌باشد تجارب بیشمار گذشته و حال گواه است که بهترین راه رشد و اصلاح جوانان، معاشرت و ارتباط آنان با صالحان و نیکان است

همه عقلای جهان بر این امر اتفاق نظر دارند که طبایع انسانی بر

مسئلاً برنامه‌ای می‌تواند مفید و مؤثر و دارای جدایت باشد که در آن تمام جوانب در نظر گرفته شود و در تدوین آن موارد ذیل مراعات گردد.

۱- نظر خواهی و انجام مصاحبه از خود جوانان درباره محتوای برنامه‌ها.

۲- استفاده از تجربه‌های روان شناسی جهت مؤثر ساختن هر چه بیشتر برنامه‌ها.

۳- در نظر گرفتن تنوع و جدّت در محتوا و شیوه‌های عرضه کردن.

۴- استفاده از تجارب ملت‌ها و افراد و گروههای دیگر.

بشر طبعاً جدّت پسند و کنجکاو می‌باشد و این وصف در قشر جوان به دلیل خصایص فطری و روانی شان بیشتر موجود و مشهود است لذا هر برنامه‌ای که در آن نکات بالا رعایت نشود رفته رفته باعث دلسردی و به قهقرا رفتن خواهد شد. اینجاست که می‌بینیم پروردگار خبیر و بصیر گاهی یک مطلب را در قالب شیوه‌های گوناگونی عرضه نموده و به یک طریق اکتفا نکرده است. همواره اهداف و خواسته‌های تازه‌ای فراراه مؤمنین قرار داده و آنان را به مصداق «الترکین طبقاً عن طبق» وارد مرحله جدیدی نموده و نشاط شان را برقرار داشته است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نیز در عرضه نمودن دعوت از شیوه‌های گوناگون استفاده نموده و از آنچه که باعث دلسردی و ملالت و خستگی شود احتراز نموده است.

اما راه حل مشکل دوم، باید اذعان نمود که دنیای امروزی با جهان چندین سال قبل بسیار متفاوت است، امروز هر انسانی بدون آنکه پای خود را خارج از حیطه منزل بگذارد توسط رسانه‌های دست جمعی و شبکه‌های اینترنت به جدیدترین معلومات هر چند ضد و نقیض و اضطراب آفرین باشند دست می‌یابد و خواه ناخواه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. برآستی که چشم و گوش بستن نه برای هر فردی ممکن است و نه راه علاج می‌باشد.

از این رو اگر نوباوگان و نوجوانان عزیز را با برنامه‌های مفید و مؤثر و سازنده مشغول نکنیم، و خود آنها را مسؤول و حساس بار نیاوریم، قطعاً با چند موعظه و نصیحت پراکنده نمی‌توانیم چشم و گوش آنها را پرکنیم. زیرا اگر انسان تشنه باشد و آب زلال و بهداشتی برایش میسر نشود، قهراً خود را با آب ناسالم سیراب نموده و عطش بوجود آمده را برطرف می‌نماید و لو اینکه در آینده دچار مرض و گرفتار پیریشانی گردد.

اینجاست که باید مردانی مخلص و غیور، خردمند و با تجربه،

اثر مجالست با افراد تحت تاثیر قرار می‌گیرد. چنانکه مولانا جلال‌الدین رومی می‌فرماید:

نار خندان باغ را خندان کند

صحبت مردانت از مردان کند

همنشین اهل معنی باش تا

هم عطا یابی و هم باشی فتا

به همین دلیل مولانا از همراهی با بدان بر حذر می‌دارد و معتقد است که بدی بدان بدون اینکه انسان احساس بکند به همراهان سرایت می‌کند.

ای فغان از یار ناجنس ای فغان

همنشین نیک جوید ای مهان

می‌رود در سینه‌ها از سینه‌ها

از ره پنهان صلاح و کینه‌ها

دکتر اقبال لاهوری نیز مصاحبت و معاشرت را بسیار مهم می‌داند:

صحبت از علم کتابی خوشتر است

صحبت مردان حق آدم گراست

دکتر اقبال مصاحبت با مردان حق و پاک طینت را کیمیای مؤثر قرار می‌دهد، و از مصاحبت با بدان هشدار می‌دهد.

صحبت او هر خذف را دُر کند

صحبت او هر تهی را پر کند

ستر زن یا زوج یا خاک لحد

ستر مردان حفظ خویش از یار بد

کیمیا پیدا کن از مِشت گلی

بوسه زن بر آستان کاملی

نگرانی و اضطراب به دلیل مواجه شدن با ارزشهای متفاوت و متناقض

برای حل این معضل ابتدا باید روش موافقت و سازش را اتخاذ کرد زیرا در واقع ارزشها دو گونه‌اند:

۱- ارزشهایی که با مفاهیم و معتقدات دینی مستقیماً در تضاد نیستند و در قرآن و حدیث مورد نکوهش واقع نشده‌اند این نوع ارزشها اگر به شکل رسم و فرهنگ در میان قوم وجود دارند، لازم نیست جوانان را به ترک آن دعوت نماییم و بدون دلیل آنها را در جنگ ارزشها گرفتار نماییم.

۲- ارزشهایی که واقعاً طبق دستور پروردگار و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم محکوم‌اند و از دیدگاه شریعت اسلام گناه و

معصیت و یا بدعت و خرافات بشمار می‌آیند.

این امور در واقع ارزش نیستند ولی اذهان ناسالم و تبلیغات سوء سبب گشته‌اند که عده‌ای آنها را ارزش به حساب بیاورند. در این نوع امور نخست باید ایمان و عقیده و شناخت نسبت به اصول اسلام را تقویت کنیم زیرا هر قدر ایمان به الله و رسول او و ایمان به آخرت افزایش یابد به همان نسبت در دل جوانان نسبت به امور غیراسلامی نفرت و انزجار بوجود می‌آید. هر چه افزایش روشنی و نور بیشتر باشد تاریکی و ظلمت خود بخود برطرف می‌شود.

مشکلات اقتصادی

مشکلات اقتصادی بطوریکه همه احساس می‌کنند تنها مشکل جوانان نیست، بلکه مشکل بشریت در عصر حاضر است. کشمکش نظام‌های سرمایه داری و سیستم‌های اقتصادی دیگر و سود جوییها و استثمارهای بعضی از طبقات جامعه مشکلات متعددی را در زمینه اقتصاد باعث گشته که برای حل آن باید کارشناسان و خبرگان در سطح جهان اقدام نمایند.

اما جوانان عزیز به دلیل اینکه تازه پای فعالیت به عرصه زندگی گذاشته‌اند و توقعات و آرزوهای بیشماری در سر دارند طبعاً بیش از دیگران از معضل اقتصادی رنج می‌برند از آنجائیکه ارائه راه حل اساسی در خور این مقاله نیست، لذا توجه خوانندگان به چند نکته مهم جلب می‌شود.

۱- نخستین مطلب این است که چون آرزوهای هر انسانی نامحدود است و خواسته‌ها و نیازها بی شمارند و برآورده شدن همه آنان بهیچ وجه امکان‌پذیر نیست، پس لازم است برای احیاء و ایجاد روح قناعت در نسل جوان تلاش نمود منظور از قناعت هرگز دست روی گذاشتن و تن به بطاعت و بیکاری دادن نیست بلکه همزمان با تشویق و تکاپو و تلاش، باید نسل جوان را طوری تلقین کنیم که بتوانند از حداقل امکانات حداکثر استفاده نمایند. و مخارج اضافی و غیر ضروری را از زندگی شان حذف کنند.

۲- مشغول کردن آنان به اهداف بزرگتر و ارزش‌های برتر تا اینکه صرفاً به نیازهای مادی تن دادن و قربانی شدن برای خواسته‌های نفس در اذهانشان خیلی زشت و قبیح گردد.

۳- بسیاری از جوانان به دلیل اینکه از خانواده‌های مرفه و معروف می‌باشند و بزرگان شان دارای شهرت و نوعی برتری اجتماعی

و آنان که از آیات ما غافلند.

در جانی دیگر می‌فرماید: «یعلمون ظاهراً من العیوة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون» (آنها فقط با مقداری از ظاهر زندگانی دنیا آشنا هستند ولی نسبت به آخرت کلاً در غفلت بسر می‌برند). پس جوانان عزیز آنچه مهم است کار است و ابتکار، مشروط بر اینکه شریعت اسلام چنان کار و ابتکاری را مباح و جائز قرار داده باشد.

سخن آخر به جوانان

جوانان عزیز بدانید جوانی ستاره‌ای است که فقط یکبار در آسمان عمر می‌درخشد. جوانان عزیز شما بهترین گروه امت خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و سلم هستید. ارزش شما به این بستگی دارد که هر ارزش را در پرتو ارزشهای اسلامی محک بزنید یا بسنجید و خود را از تقلید دیگران بالاتر بدانید هر کجا هستید بچند و سپاه خدا و نماینده فکر رسول الله باشید.

مبادا اوضاع زمان و فتنه‌های دوران شما را مایوس و نا امید بگرداند، زیرا ناامیدی بدترین مانع، رشد است بقول اقبال لاهوری:

ناامیدی همچو گور افشاردت

گر چه الوندی زیبا می‌آردت
شما هستید که می‌توانید با ازاده و توکل بر الله و تأسی از سیره پاکان برای اصلاح جامعه قدم بردارید و نظم نوینی در پرتو آئین اسلام به جهان و جهانیان ارائه دهید.

بالاخره اگر می‌خواهید درباره خودتان قضاوت کنید، که کیستید آرزوهایتان را بنگرید که چیست؟ زیرا بقول اقبال که می‌فرماید:

زندگی از آرزو دارد اساس

خویش را از آرزوی خود شناس

لعل الله یحدث بعد ذالک امراً

۱. حجة الله البالغة

بوده‌اند از این رو اختیار کردن بسیاری از پیشه‌ها و شغل‌ها را برای خود عار می‌پندارند آنها اگر دارای مدارک علمی باشند، بجز پشت میز یک اداره هر کار دیگری را باعث کسر شأن خود تصور نموده و اگر دارای مدرک نیستند فقط به دنبال تجارت‌های کلانی هستند که بتواند شخصیت آنان را بعنوان سرپرست یک مجتمع نشان دهد یا سود کلانی بزودی عایدشان بگرداند در صورتیکه هیچ کدام از این نوع پندارها با واقعیت همخوانی ندارد.

یک جوان فهمیده نباید گول معیارهای خود ساخته را بخورد و خود را دچار رنج و نگرانی سازد. و در هر حالی منتظر قضاوت دیگران باشد و گوش به اظهار نظر آنها؛ آخر چرا همیشه باید دیگران قضاوت کنند؟

یکی از مفاسد تمدن ایران و روم قدیم و عوامل نابودی آن این بود که آنها اسیر عادت‌ها و معیارهائی بودند که خودشان ساخته بودند.

امام شاه ولی الله دهلوی می‌نویسد: «انهم کانوا یبیرون من کان ینیس من صنادیدهم منطقة او تاجاً قیمتها دون مائة الف درهم» آنها (مردم ایران و روم) به هر کسی از سرداران که قیمت کمربند و تاجش کمتر از صد هزار درهم می‌بود ایراد می‌گرفتند و او را مورد طعن قرار می‌دادند.

چندی پیش در کتابی خواندم که در یکی از کشورهای باصطلاح پیشرفته زنی لباسی خریده و دوان دوان به سوی خانه‌اش می‌رفت در راه دوستش او را دید خواست با وی حرف بزند اما زن توقف نکرد و چنین گفت ببخشید، چون می‌خواهم زودتر به خانه برسم زیرا می‌ترسم اگر دیر برسم مد عوض می‌شود، آنگاه خریدنش فایده‌ای نخواهد داشت.

براستی، کسانی که دنیا را همه چیز می‌فهمند، حق دارند نسبت به ارزشهای خود ساخته اینچنین حساس باشند.

پروردگار جهانیان در باره همین طبقه و امثال آن می‌فرماید «ان الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالعیوة الدنیا و اطمننوا بها والذین هم عن آیتنا غافلون» (یونس ۶) (بدون تردید کسانی که به ملاقات ما امیدوار نیستند و به زندگانی دنیا خشنود و مطمئن‌اند